

اشغال عراق برای زنان چه به ارمغان آورده!

گزارش تکان دهنده از عراق

از سرویس خبری جهانی برای فتح

کیست که در راه این محکمی می‌گوید! اگر باز نکنیم، در راه می‌شکنند و داخل می‌شوند! آیا سربازان آمریکایی اند؟ آنها به خانه‌ها حمله می‌کنند و بچه‌ها و همه خانواده‌ها را وحشتزده می‌کنند. این صحنه‌ها را در تلویزیون دیده ایم. آنان حمله می‌کنند، می‌زنند، توهین می‌کنند و مردان خانه را با خود می‌برند....

”در فلوجه زنان بسیاری کشته شدند. 72 زن یکجور کشته شدند، با یک گلوله در سرشان، و تنها گناهمان این بود که در خانه را باز کرده بودند“ (شهادت یکی از شاهدان عینی در تریبون بین المللی عراق که در استانبول برگزار شد).

اما آنها که پشت درند و در راه می‌کوبند ممکن است چماقداران و جانمیان معمولی باشند که بزور وارد خانه‌ها می‌شوند و به زنان تجاوز می‌کنند. هیچ کدام از اینها قبل از اشغال معمول نبود. یک زن عراقی در تریبونال شهادت داد: از زمانی که عراق اشغال شده، خشونت علیه زنان و پایمال کردن سیستماتیک حقوقشان در حال افزایش است.

زنان ربوده می‌شوند، به آنان تجاوز می‌شود و حتی شکار می‌شوند تا در شبکه جهانی فحشا خرید و فروش شوند. یک زن عراقی به یک خبرنگار گفت: ”ربودن و تجاوز زنان تا آن حد گسترش یافته که هر زنی نگران آن است مبادا قربانی بعدی باشد. تعداد خیلی کمی از زنان در خیابانها دیده می‌شوند. قبل از جنگ این طور نبود، نه! خیلی‌ها می‌ترسند که پایشان را از در خانه بیرون بگذارند“.

از زمان اشغال، بخصوص در شهر جنوبی بصره که توسط مذهبیبون شیعه و با حمایت آمریکا و انگلیس کنترل می‌شود، زنان برای پوشیدن حجاب زیر فشار قرار گرفته‌اند - به سلمانی‌ها اخطار داده شده که ریش مردان را نباید بزنند، به خیاطهای زنانه در مورد دوختن لباس اخطار داده شده است. بسیاری از زنان از مشاغلشان بیرون رانده شده‌اند بطوریکه که اینک تنها 10 درصد آنان کار می‌کنند. قتل‌های ”ناموسی“ به حد هشدار دهنده‌ای حتی در کردستان در حال افزایش است. بعد از تصویب قانون اساسی جدید در سال گذشته و برقراری رژیم اسلامی اینک نیروهای اسلامی بر اجزاء زندگی زنان عراق حکم می‌رانند. اگر مسافری از افغانستان وارد عراق شود خواهد گفت حتماً آمریکا سخت مشغول ”آزاد“ کردن زنان عراق است زیرا زندگی زنان عراقی هر چه بیشتر به زندگی زنان افغانستان شباهت یافته است.

”آزاد“ کردن زنان عراقی توسط اشغالگران حداقل دارای سه بعد است. یکم، بعد اقتصادی است. زیرا زنان در این زمینه دو برابر دیگران زیر فشار و در عذابند. دوم، فشار و ستم‌هایی است که در نتیجه وحشیگری‌های اشغالگران بر زنان روا رفته تا مردم را خوار کرده و روحیه آنان را در هم شکنند. همه مردم از این نظر زیر فشارند اما زنان بهای گزافی پرداخته‌اند. بعد سوم پایمال کردن کلیه حقوق زنان توسط حاکمان اسلامی است که بطور فزاینده‌ای صحنه سیاسی عراق را در کنترل خود می‌گیرند و در نتیجه سیاستهای اشغالگرانه آمریکا و انگلیس این موقعیت را بدست آورده‌اند.

ستم بر زنان، در این جا تمام نمی‌شود و این مسئله را دردناکتر کرده است. ستمگری قرون وسطائی بر زنان تاثیرات عمیقی را بر شیوه زندگی مردم عراق گذاشته و روابط عقب مانده اجتماعی را تحکیم کرده است.

زنان اولین قربانیان جنگ تجاوزکارانه آمریکا علیه عراق: بعد اقتصادی

تحریم‌های اقتصادی قدرتهای غربی، بعد از تجاوز اول به عراق در سال 1991، پیش درآمد ضرباتی بود که به

اشغال عراق در سال 2003 بر زنان وارد آمد. به گفته بی بی سی، زنانی که در نتیجه مشکلات مربوط به زایمان جان خود را از دست داده اند، از سال 1990 به بعد، سه برابر شد. تعداد زنانی که بچه هایشان ناخواسته سقط می شود جهش وار افزایش یافته است. این بخشناشی از فشار های عصبی مربوط به جنگ و قرار گرفتن در معرض تشعشعات سلاحهای شیمیائی و اورانیم که توسط آمریکا استفاده می شود، است. امروز 65 درصد زنان عراق در خانه وضع حمل می کنند.

بعد از 8 سال جنگ با ایران که باعث مرگ بیش از نیم میلیون در دهه 80 میلادی شد زنان زیر فشار بیشتری قرار گرفتند، چرا که بسیاری از آنها تنها نان آور خانه بودند. این وضعیت بطور قابل توجهی بعد از سال 1991 وخیمتر شد. مشاغل دولتی آنقدر کم در آمد بودند که مردان این مشاغل را رها کردند اما زنان چاره ای نداشتند جز اینکه ادامه دهند. آلترناتیو دیگری برایشان موجود نبود. دستمزد کار در مزارع در پایین ترین سطح خود بود و به زنان نصف دستمزد معمول پرداخته می شد.

وضعیت اقتصادی آنچنان فلاکت بار شد که حتی خانواده های نسبتاً پولدارتر مجبور به فروش وسایل خانگی خود (مانند ماشین رختشویی، فریزر و غیره) شده اند تا مخارج روزمره خانواده را تامین کنند. این باعث افزایش فشار های کاری بر زنان شد و نیاز مبرمشان به کار در بیرون خانه دستمزدهایشان را به نصف دستمزد مردان تقلیل داد. وقتی مخارج تحصیل به میان آید خانواده ها مجبور اند که تصمیم بگیرند که کدام یک از فرزندانشان را به مدرسه بفرستند. در این موارد معمولاً دختران انتخاب نمی شوند.

□ وحشی گری های آمریکایی ها علیه زنان

یکی از زنان زندانی ابو غریب در دسامبر 2003 مخفیانه یادداشتی را به خارج از زندان فرستاد. این یادداشت ادعا میکرد که زندانبانان آمریکایی به زنان بازداشت شده تجاوز می کنند... و اضافه می کند که چند تن از زنان حامله شده اند. زنان را مجبور می کردند که جلوی مردان کاملاً لخت شوند. این یادداشت از جنبش مقاومت عراق می خواهد که در زندان بمب بگذارند تا زنان را از شرمساری نجات دهند. در تحقیقاتی که وکلای زنان بازداشت شده کرده اند به این نتیجه رسیدند که این مسایل نه تنها در زندان ابو غریب بلکه "در سراسر عراق بطور سیستماتیک اتفاق افتاده است". این نقل قول و نقل قول های بعدی این قسمت از روزنامه گاردین لندن تاریخ 20 مارس 2004 می باشند (از آنجا که برای بسیاری از زنان مشکل است که در این باره صحبت کنند، یک وکیل زن، به نام سواد که وکالت چندین زن زندانی را بعهده گرفته است از یکی از پایگاه های نظامی آمریکایی در ال - خارخ دیدن می کند و در آنجا با یکی از زنان زندانی صحبت می کند. او در حالی که گریه می کرد به ما گفت به او تجاوز شده... چند سرباز آمریکایی به او تجاوز کرده اند. او تلاش کرده است مقاومت کند و مانع این کار آنها شود. در نتیجه دستش صدمه دیده است. او جای زخم ها و بخیه را به ما نشان داد. او به ما گفت "ما دختر و شوهر داریم محض رضای خدا راجع به این مسائل با کسی حرفی نزنید".

گاردین این چنین ادامه می دهد "... : جنرال آنتونیو تاگوبا که تحقیقات سری ارتش آمریکا در ژانویه 2004 زیر نظر او انجام شد، یادداشت مخفیانه ای را که زنی به نام نور از زندان ابو غریب به بیرون فرستاده تایید می کند، و آنرا دقیق می خواند".

طبق گزارش تاگوبا چند عکس از 800 عکسی که زندانبانان آمریکایی در زندان ابو غریب گرفته اند، نشان می دهد که یک پلیس ارتش آمریکا در حال "انجام رابطه جنسی" با یک زن عراقی است. تاگوبا تایید می کند که زندانبانان از بدن برهنه زنان بازداشت شده عکس و ویدئو تهیه کرده اند. علیرغم آنکه دولت بوش از پخش این عکس ها جلوگیری کرد، اما یک ایستگاه تلویزیونی استرالیایی که یک کپی از سی دی این عکس ها را بدست آورده است تعدادی از آنها را بر

روی سایت اینترنتی خود گذاشت. برخی گزارشات دیگر نشان می دهد که وقتی سربازان آمریکایی زنانی را به جرم تن فروشی دستگیر می کنند، پروانه سوء استفاده های جنسی بیشتری را برای خود صادر می کنند.

پروفسور هودا شاکر النوعیمی، محقق امور سیاسی در دانشگاه بغداد می گوید که، ” به عقیده ما (او) نور (مورد تجاوز قرار گرفت و توسط سربازان آمریکایی حامله شد. بعد از مرخص شدن از زندان ابوغریب، من به خانه او رفتم. همسایه ها می گفتند که خانواده اش از آنجا رفته است. به باور من او کشته شده است.“ این سرنوشت چندین زن زندانی سابق بوده است. از آنجا که تجاوز در جوامع اسلامی بی آبرویی و لکه ننگی برای خانواده محسوب می شود، تعداد کمی از زنان درمورد آنچه در زندانهای آمریکایی بر آنها گذشته حرف می زنند.

بنابر همان گزارش، شیوه های دیگر سرگرمی برای زندانبانان آمریکایی به منظور خردکردن زنان زندانی نیز در این زندانها رایج بوده است ” یک زن عراقی هفتاد و چند ساله را در ابوغریب مجبور کرده بودند که مثل يك الاغ چهار دست و پا راه برود.“ آن کلوید، یکی از اعضای پارلمان بریتانیا، که مشغول تحقیق در باره این مورد مشخص بوده، تاکید می کند که این مسئله واقعیت داشته است. زنان زندانی همانند مردان زندانی 23 ساعت در سلولهای انفرادی قرار داده می شوند. اعضای خانواده های زندانیان که مرتباً در مقابل زندان ابوغریب جمع می شوند و همچنین بقیه زندانیان می گویند که بسیاری از زنان خودکشی کرده اند.

شواهد بسیاری دال بر ادامه سوء استفاده از زنان در زندانهای عراق وجود دارد. اخیراً وقتی که یکی از وکلاء زن تلاش کرد از زنان زندانی در ابوغریب دیدن کند، نگهبانان آمریکایی از ورود او جلوگیری کردند. وقتی که او اعتراض کرد، آنها تهدید کردند که او را دستگیر خواهند کرد.

قدرت گیری بنیادگرایی در عراق و حمایت آمریکا

بعد از سرنگونی ملك فيصل توسط ژنرال قاسم در سال 1958، عراق نسبت به بسیاری از کشورهای خاورمیانه، قانون اساسی نسبتاً سکولارتری را اتخاذ کرد. صدام حسین بعد از بقدرت رسیدن همان قانون اساسی را برگزید. طبق این قانون اساسی زنان قانوناً با مردان برابر بودند. تحصیل مجانی تا سطوح ابتدایی برای آنان تضمین شده بود. آنان حق طلاق داشتند و چند همسری عملاً غیر ممکن شده بود. زنان از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن بهره می بردند و از حق آزادی پوشش برخوردار بودند.

اما قوانین مربوط به حقوق زنان بعد از جنگ اول خلیج) سال 1990 (کم کم پایمال شد. وقتی آمریکا تلاش کرد صدام را ایزوله کند و عده هائی به گروههای اسلامی شیعه داد. صدام نیز برای بقا خود و بدست آوردن حمایت مذهبیون و رهبران عشایر از مذهب و دین استفاده کرد. صدام چند همسری را برای مردان آزاد) طبق اسلامی تا 4 زن(؛ و اعلام کرد که قتل ناموسی نیز آزاد است و اگر مردی به وفادار بودن زنش شک کند می تواند وی را به قتل برساند. بعد از اشغال عراق توسط آمریکا در سال 2003 و سرنگونی صدام، با آغاز همکاریهای نزدیک آمریکا و شیعه ها و برخی احزاب سنی، اسلامی ها بطور روزافزونی زندگی مردم را در کنترل خود گرفتند. باز هم این زنان بودند که می بایست بیشترین بها را بپردازند.

این اوضاع در مناطق شیعه نشین همچون بصره در جنوب عراق سرعت بیشتری داشت. زنان مجبور به رعایت حجاب شدند. آنان که از این کار سرباز می زدند، خطر اذیت و آزار، ربوده شدن و تجاوز را بجان می خریدند. این روزها در بصره دیدن زنی بدون چادر و یا حجاب کاملاً غیر عادی است. یکی از فعالین زن به روزنامه گاردین لندن گفت که گروه های فشار مذهبی که عمدتاً وابسته به احزاب بنیادگرای شیعه می باشند به مدارس می روند، یکی از کلاس ها را اشغال می کنند و تمام دختران را مجبور می کنند تا حجاب بر سر کرده و دستکش بپوشند. زنان حتی در دانشگاهها راحت نیستند. بسیاری از زنان جوان دانشجو احساس می کنند که اگر حجاب بر سر نکنند، از امنیت

برخوردار نیستند. در یکی دو سال گذشته بیش از یک دوجین انجمن های فرهنگی و مذهبی در محیط دانشگاهها ظهور کرده است. تعداد حوادثی که در آن دختران توسط همکلاسی ها و میلیشیای احزاب شیعه تهدید می شوند روز بروز افزایش می یابد. در یکی از این حوادث در دانشگاه بصره، یکی از میلیشیا ها به دو دانشجوی زن حمله کرده و گزارشات حاکی از کشته شدن آنهاست.

نکته اینجاست که حجاب تنها آغاز ستم وحشیانه علیه زنان است. آیت الله خمینی در ایران، حمله خود علیه حقوق زنان را با اجباری ساختن حجاب آغاز نمود. حجاب سمبل بردگی است و به نوبه خود باعث یک سلسله اشکال انقیاد دیگر می شود. حجاب باعث تحقیر زنان می شود. غیر مجاز کردن انتخاب پوشش برای زنان، علامت آن است که به آنان اجازه ی خیلی کارهای دیگر داده نخواهد شد. منظور و مقصود اصلی حجاب محدود کردن شرکت و نقش زنان در جامعه و نگاه داشتن آنان در خانه است. این مسئله باعث عواقب روحی برای زنان، و تاثیرات مخرب بر مناسبات بین آنها و جامعه شده است و بیش از این خواهد شد.

امروزه برای زنان عراقی و حتا مردان مجرد، داشتن زندگی مستقل از خانواده سخت است زیرا نه بودجه کافی برای تشکیل زندگی مستقل دارند و نه امنیتی. این دو عامل باعث پدیده نوین بازگشت جوانان به خانه پدری شان شده است. این مسئله به نوبه خود موجب احیاء و تقویت مناسبات قبیله ای و عشایری که در قانون اساسی 1959 ضربه خورده بود می شود. در دهه های گذشته که تعداد روزافزونی از مردم به تحصیل می پرداختند و وارد بازار کار می شدند ضرباتی بر مناسبات قبیله ای وارد شده بود. اینک تحت اشغال آمریکا، این روند برعکس شده است. این مسئله بنیان و اساس محکمتری را برای تشدید ستم بر زن فراهم می کند. در چنین شرایطی مسن ترین مرد قوم نقش رئیس قبیله را بازی می کند. مردان، حافظین و مالکین ناموس قبیله می باشند و می توانند سرنوشت هر یک از زنان و دختران فامیل را تعیین کنند. زمانی که مناسبات قبیله ای محکم باشد، چنانچه قوانین کشوری در تضاد با قوانین قبیله ای آنها قرار گیرند، روسای قبایل می توانند از قبول آنها سرباز زنند. حتی اگر قانون برخی آزادی ها را برای زنان مجاز شمارد و یا اینکه مردان خانواده با آنها موافق باشند، سنتهای قبیله ای مانع اجرای آن خواهد شد.

□ قانونی کردن ستم بر زنان: قانون اساسی جدید

قانون اساسی جدید، تاسیس رژیم اسلامی عراق را نهایی کرد. این قانون اساسی مسایل مهمی، از جمله حقوق زنان را تعیین می کند. ماده 2 مصوب قانون اساسی، اسلام را دین رسمی عراق و دولت آن می داند و تصریح می کند که هیچ یک از قوانین مصوب نمی توانند در تضاد با آن باشند. ماده 14 حقوق زنان را تضمین می کند اما تا جایی که این حقوق ”قوانین شرعی را نقض“ نکند. قانون اساسی جدید عراق تمام حقوق تعیین شده توسط ”قراردادها و کنوانسیون های بین المللی“ را تایید می کند اما ”تا جائیکه در تضاد با اسلام قرار نگیرند“. بنابراین شریعت مبنا گرفته شده است. واضح است که قوانین مذهبی در اغلب موارد در تضاد با حقوق زنان و حقوق بشر قرار می گیرند و در نتیجه در همه آنها حقوق زنان بصورت ضمنی انکار شده است. بنابراین قوانین شریعت، تنها پدر در شرایط طلاق می تواند حضانت فرزندان را بعهده بگیرد. زنان در مسایلی مانند ارث و شهادت در دادگاهها رسماً به مثابه نصف مرد حساب می آیند. اینکه شریعت چگونه قرار است بکار گرفته شود بستگی به دولت، قضات و البته روحانیت دارد. زنان عراق بسیاری از حقوق پایه ای خود را از دست داده اند و در موارد بسیار دیگر همچون تحصیل، بهداشت و درمان، اشتغال و امثال آن حقوقشان بطور جدی در خطر است.

ارزیابی از این اوضاع بسیار مهم است. وقتی که عبدالعزیز حکیم (رهبر شورای عالی انقلاب اسلامی عراق) در صدر شورای حکومت عراق قرار گرفت، تلاشی برای جا انداختن قوانین شرعی در مورد خانواده، تحت عنوان ماده 137 صورت گرفت. هدف ماده مذکور این بود که قوانین خانواده را منطبق بر قوانین اسلامی کرده و حقوق زنان را

محدود کند. شورای حکومت عراق این ماده را در دسامبر 2003 تصویب کرد. این ماده جر و بحث بسیاری در محافل مختلف از جمله در درون خود شورا برانگیخت. اما این ماده به مثابه قانون اعلام نشد چرا که در آن زمان پل برمر فرمانده آمریکایی عراق (می بایست آنرا تایید کند اما بعد از مدتی این پا و آن پا (آنرا در نهایت امضاء نکرد. در آن زمان آمریکائی ها تبدیل این ماده به قانون را در جهت منافع خود ندید؛ شاید به این دلیل که در آن زمان جنبه موقتی داشت و فکر می کردند نمی ارزند که بخاطر یک قانون موقت انتقادات زیادی را از جانب زنان و کسانی که از تجاوز آمریکایی ها حمایت کرده بودند) مانند رهبران کرد (بجان بخرند. اما وقتی که در ژانویه 2005 احزاب شیعه انتخابات را بردند، تلاش دیگری را برای نوشتن قانون اساسی جدیدی که بر اساس شریعت باشد، آغاز کردند. آنها خواهان آن بودند که دادگاه های دینی مسایلی مانند، ازدواج، طلاق، حضانت فرزندان و موارد ارث را مورد قضاوت قرار دهند. برخی حتی در صدد بودند که قانون اساسی دادگاه های عشیره ای را برسمیت شناسد. بحث و جدل طولانی در مورد چگونگی بیان (تصریح (نقش اسلام در گرفت. احزاب اسلامی شیعه که بر حکومت عراق تسلط دارند، پیشنهاد می کردند که اسلام به مثابه "منبع اصلی" قوانین عراق مطرح شود در حالیکه رهبران کرد و دیگر اقلیت ها خواهان آن بودند که قانون اساسی، اسلام را به مثابه "یکی از منابع اصلی" قانون تلقی کند.

بطور خلاصه هر دو بخش می خواستند که اسلام نقش اصلی در قانون اساسی داشته باشد. اما مشاجرات به نتیجه نرسید. پس از سپری شدن ضرب العجل زمانی تعیین شده توسط آمریکا، بالاخره آمریکا مستقیماً مداخله کرد. مذاکره کنندگان کرد و سنی بعداً فاش کردند که سفیر آمریکا یعنی زلمای خلیل زاد پیشنهاد کرد نوشته شود که اسلام «بیک منبع اولیه» قانون گذاری باشد. این اساساً به معنای حمایت از نقطه نظرات افراطی ترین بخش مذهبیون و تحدید شدید حقوق زنان بود. حمایت آشکار آمریکا از بنیادگرایان شیعه خشم بسیاری را برانگیخت و باعث شرمساری کسانی شد که از تجاوز آمریکا حمایت کرده بودند.

برای پنهان کردن این واقعیت که حقوق زنان لگدمال شده است، قانون اساسی 25% کرسی های پارلمان را به زنان اختصاص داد. اما این صرفاً تزئینات است. واقعیت تلخ این است که مهم نیست چند نفر زن عضو پارلمان عراق هستند. با وجود قانون اساسی جدید نسل بعدی زنان عراق بیشتر از مادران خود تحت ستم قرار خواهند گرفت و اشغال عراق توسط آمریکا، مسئول چنین وضعیتی است. اگر چه بنیادگرایان مذهبی تا حدی منعکس کننده مناسبات اجتماعی واقعی حاکم بر جامعه اند و تا حدودی از پایگاه توده ای برخوردارند اما واقعیت این است که به پشتوانه تفنگ های آمریکا به قدرت رسیده اند. آمریکا فرمانده آنان است و نه برعکس.

ایزابل کول من، عضو ارشد و مدیر بخش زنان و برنامه سیاست خارجی آمریکا در شورای روابط خارجی در شماره ژانویه - فوریه 2006 (مجله فارین افرز) مسایل بین الملل (که مجله تنوریک غیر رسمی طبقه حاکمه آمریکاست بصورت تایید کننده ای می نویسد که آمریکا، "مامای تولد یک دولت اسلامی در عراق شد". او همچنین خواهان تکرار چنین تحولاتی در سراسر جهان اسلام می شود. تحت حمایت آمریکا برخی از "کارشناسان مسایل زنان" در نوشتن قانون اساسی جدید بکار گرفته شدند، از جمله کسانی که در نوشتن قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان تحت اشغال آمریکا سهیم بودند.

حمایت آمریکا از بنیادگرایان شیعه، حمایت از اکثریت نبود و همچنین این سیاست بر مبنای برون رفت از یک بن بست سیاسی که حکومت عراق در آن گیر کرده بود، نیز نبود. سنت های اسلامی شونیستی و مرد سالارانه برای احیا و بازسازی مناسبات قبیله ای و فئودالی ضروری است و امپریالیسم آمریکا برای تحکیم پایه های اشغالش شدیدا محتاج آن است.

محدود کردن حقوق زنان و تشدید ستم بر زنان به تقویت جوجه دیکتاتورها و فئودالها و قبایل عقب مانده که متحدین

اصلی امپریالیسم آمریکا در عراقند منجر شده است. تجربه افغانستان و اتحاد آمریکا با مرتجعترین فنودالها و جنگ سالاران در آن کشورشده ای از مسیری است که آمریکا در پیش گرفته است: مسیری که بطور عام در تضاد حاد با منافع کل مردم و بطور خاص در تضاد حاد با منابع زنان قرار دارد. ■